

دیروز و امروز شیعیان جمهوری آذربایجان در یک نگاه

g/سرویس آذربایجان

جمهوری آذربایجان سرزمینی است در شمال رود ارس و جنوب رشته کوه های قفقاز یا قافقاز. کوه‌های shy­؛هایی که دور دستی اش سبب شده است در ادبیات ایرانی «قاف» نامیده شود. آذربایجان در شرق منطقه قفقاز و غرب دریای قزوین (مازندران یا خزر) قرار دارد که بخشی از خاک آن توسط همسایه غربی shy­؛اش، ارمنستان، اشغال گردیده است. جمهوری اسلامی ایران، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال 1991م، و اعلام استقلال «جمهوری آذربایجان» در 18 اکتبر همان سال، این کشور را به عنوان واحد سیاسی مستقل در عرصه بین المللی به رسمیت شناخت، هم اکنون نیز سفارت و کنسولگری shy­؛های جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان در شهرهای باکو و نخجوان و نیز تهران و تبریز دایر است.

آذربایجان عمیق ترین ارتباط دینی، تاریخی و فرهنگی را در بین کشورهای حوزه قفقاز با ایران دارد و از گذشته دور — و امروزه نیز — سفر به شهرهایی چون مشهد، قم و تبریز، آرزویی برای هر آذربایجانی بوده است که این امر نشانه عمق پیوند عاطفی مردم جمهوری آذربایجان با ایران است. عمقی که سیاست های آشکار و پنهان روسیه تزاری و اتحاد جماهیر شوروی نتوانست به نابودی آن منجر شود؛ بیان این تلاش های مزدورانه بررسی تأثیر آنها و نیز انقلاب اسلامی ایران موضوعی است که سطرهای نوشتار زیر که توسط کارگردان مستند تلویزیونی حاج علی اکرم علی اف نگاشته شده از آن سخن می گوید.

تلاش برای از بین بردن باورهای دینی

در دوران اتحاد جماهیر شوروی، با توجه به علقه های عمیق معنوی و فرهنگی که مردم ولایت های گوناگون قفقاز و به ویژه آذربایجان با ایران داشتند، تلاشی سازماندهی شده برای کم رنگ کردن جایگاه ایران آغاز شد. این مسئله که ایران برای آذری های جدا شده از ایران در آن سوی ارس کانون تشیع بوده و مسلمانان و شیعیان ساکن در این سرزمین ها براساس فتاوای مراجع خود در ایران و نجف عمل می کردند سهم بسزایی در افزایش این تلاش داشت که به قتل عام گسترده و تبعید علمای دینی به منظور تضعیف دین داری منجر شد. اما این تلاشها به این جنبه محدود نشد، بلکه دشمن معرفی کردن ایران برای آذربایجان و آذربایجانی دستاویز دیگری بود که با برافراشتن جنگ ترک و فارس و معرفی «فارس» و «فارس زبان» به جای «ایران» برای جدایی آذری ها از ایران انجام شد.

با تغییر الفبا در ولایت های قفقاز و نیز «جمهوری سوسیالیستی آذربایجان شوروی»، ارتباط نسل های جدید با متون تاریخی و ادبی پیشین قطع گردید و زمینه برای روایت هدفمند تاریخ فراهم شد. هم زمان با ترجمه هدفمند آثار شاعرانی چون نظامی گنجوی و خاقانی شروانی، بدلی از متن اصلی این آثار، در اختیار مردم قرار گرفت. هدف اصلی این تغییر دو مسئله بود: یکی ایجاد شکاف فرهنگی نسل جدید و دیگری مقابله با دین و مفاهیم دینی که در سطر سطر و بیت بیت ادبیات ایران در سه زبان زنده دنیای اسلام جاری بود. نسل های پیش از تغییر الفبا، قرآن را به عربی، گلستان سعدی را به فارسی، و نوحه های سروده شده در سوگ اهل بیت پیامبر(ص) را به ترکی می خواندند و بر خواندن متون اصلی هر سه زبان قادر بودند، اما پس از تغییر الفبا بود که تلاش شد قرآن و زبان فارسی حذف، و حتی در بعضی از اشعار ترکی به قرآن اهانت شود. اشعار شاعرانی مانند نظامی و خاقانی نیز با اهدافی خاص ترجمه شدند. اقدام دیگری که برای دین زدایی انجام شد، تلاش برای قرار دادن واژه «خلق» به جای واژه «خدا» بود

دکتر قابیل جمالوف (جمال زاده) در این باره گفته است: «توضیحا بگویم که آن موقع نمی گفتند تاریخ ادبیات ایران؛ از مسکو این طور دستور رسیده بود که باید می گفتند؛ تاریخ ادبیات فارس و تاریخ ادبیات تاجیک و نه «ادبیات ایران»! این هم سیاستی بود تا بگویند که بین ادبیات ایران و تاجیکستان و ما ارتباطی نیست! یک سیاست جداافتنی... بله، شاعران بزرگی مانند نظامی گنجوی و خاقانی شروانی به زبان فارسی شعر گفته shy­؛اند و قله های ادبیات و شعر ما و ایران هستند. ترجمه اشعار این بزرگان به زبان آذری در باکو منتشر شده است و متأسفانه مردم ما نمی توانند اشعاری را که این بزرگان سروده اند، بخوانند و ترجمه shy­؛ها را می خوانند.» 1

وجه دیگر این مقابله، تلاش در زمینه تعطیلی مراکز دینی و به انزوا کشاندن و از میان برداشتن عالمان دینی بود: «در دوران سیاه استبداد و اختناق استالین، حوزه های علمیه، مراکز مذهبی، مدارس دینی و مساجد مؤثر را برچیدند و به موزه، اداره، انبار و ... تبدیل کردند و عالمان آزاده و فقیهان بزرگ و مبارز را اعدام نمودند و از بین بردند. سال 1937م اوج این قتل عام ها و اعدام و تصفیه حساب های سیاسی بود. از این نظر «سال 37» در ادبیات سیاسی ما به عنوان نماد استبداد و قتل و غارت حکومتی و پایمال شدن مظلومان در آمده است.» 2

با همه تلاش هایی که حکومت آتیه ایستی (منکر خدا) اتحاد جماهیر شوروی برای جدایی مسلمانان جمهوری آذربایجان از ایران و تشیع به کار بست، شاعران دین دار جمهوری آذربایجان با بیان مفاهیم دینی در اشعار خود، آنها را نشر دادند و در پی آن ادبیاتی شکل گرفت با نام «ادبیات صدوقی» که اغلب محتوایی دینی داشت. در دو سوی پایتخت جمهوری آذربایجان دو مسجد با شکوه قرار دارد که در حقیقت دو امامزاده اند. مردم آذربایجان این دو مسجد را، که یکی در ورودی شهر باکو قرار دارد و «بی بی هیبت» نامیده می شود و دیگری در قصبه نارداران در بیست کیلومتری باکو قرار گرفته است و «رحیمه خاتون» خوانده می شود حرم دو خواهر تنی امام رضا(ع) می دانند و از این رو آنها را بسیار تکریم می کنند. شایان ذکر است که مردم نارداران از امامزاده زیبای شهرشان با نام های «پیر» و «غریب خانیم» هم یاد می کنند. در کنار ادبیات صدوقی و وجود امامزاده shy­؛های متعدد جمهوری آذربایجان، که از سست شدن باورهای دینی مردم در جمهوری آذربایجان جلوگیری کرد، عامل دیگری نیز وجود داشت که این باور و اعتقاد را غنا و استحکام بخشید و آن رادیو برون مرزی آذری تبریز بود که مرحوم حاج علی اکرام علی اف — رهبر اسلام گرایان جمهوری آذربایجان و بنیان گذار حزب اسلامی در این جمهوری — از آن با عنوان «حوزه علمیه نجف» یاد می کرد؛ حوزه علمیه ای که هر صبح و شام مهمان خانه های مردم بود و معارف اهل بیت(ع) را به آنان می آموخت.

تأثیر انقلاب اسلامی

آشنایی مردم جمهوری آذربایجان با انقلاب اسلامی و شخصیت امام خمینی(ره) از نیمه دوم دهه 1970م (1350) و از نارداران آغاز شد و از همان روزها گروهی در آذربایجان ظهور کردند که به «خمینی چی لر» یا خمینی گرایان مشهور شدند. خمینی گرایان دین دارانی بودند که دین را جدا از سیاست نمی دیدند و در همان سال های خفقان و حاکمیت آتیه ایسم شوروی از انقلاب اسلامی ایران الگو می گرفتند و با آن همراهی می کردند. این گروه بعد ها در سال 1992م (1371) «حزب اسلام آذربایجان» را به رهبری حاج علی اکرام علی اف تشکیل دادند، اما مجوز این حزب که پس از چهار سال فعالیت رسمی در سال 1996م لغو شد. اعضای حزب اسلامی که خود را «حزب الله آذربایجان» هم می نامند پیشگام برگزاری مراسم روز قدس و مراسم مشابه دیگر در جمهوری آذربایجان هستند و در موضوع هایی مانند مقابله با اهانت به پیامبر اکرم(ص) در بعضی نشریات غرب گرای این کشور، مقابله با حضور صهیونیست ها در این کشور، مقابله با نشر عقاید وهابیت و بهائیت در آن، اعتراض به برگزاری کنگره یهودیان جهان در باکو، و اعتراض جدی به ممنوعیت حضور دانش آموزان و معلمان محجبه در مراکز آموزشی این کشور پیش قدم بوده و حضور جدی و تعیین کننده ای داشته اند؛ البته هم اکنون تعدادی از رهبران این حزب اسلام گرا — از جمله دبیر کل حزب، دکتر حاج محسن صمداف — در زندان به سر می برند.

در پایان باید به این نکته دوباره اشاره شود که اصلی ترین رشته پیوند ایران و جمهوری آذربایجان مذهب تشیع است که امروزه با ظهور خمینی گرایان در این جمهوری شکلی جدی تر و سیاسی تری نیز به خود گرفته است و آینده ای دیگر را پیش پای مردم این جمهوری می گذارد.

پی نوشت ها

1. قابیل جمالوف، مصاحبه نشریه سیاسی و فرهنگی ایران شمالی (چاپ اردبیل)، ش 8 و 9 (تابستان 1386)، ص 25-27.
2. عبدالحسین شهیدی ارسباران، خاطرات حاج علی اکرام علی اف، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1385، ص 44.